

# در مبارزه برای دموکراسی، شیخ و شاه همراه ما نیستند

احمد آزاد



انتخابات آزاد تنها در چارچوب یک شرایط دموکراتیک، واقعی و نه صوری، امکان پذیر است. و تا زمانی که این شرایط فراهم نباشد حرف از انتخابات آزاد، اگر ساده لوحی نباشد، مردم فریبی است.

اخیرا مقاله ای در سایت ایران امروز با عنوان «دوگانگی در سازمان فدائیان اکثریت» و با امضاء الف جیلو منتشر شده است. در این نوشته، نویسنده به نقد سیاست سازمان اکثریت در قبال ائتلافی سیاسی با عنوان «اتحاد برای دموکراسی در ایران» پرداخته است. چند صباحی است که تنی چند از فعالین سیاسی از افقهای گوناگون، چپ، جمهوری خواه، ملی و سلطنت طلب به دور هم جمع شده و با تشکیل چند کنفرانس (پاریس، بروکسل، واشنگتن و پراگ) تلاشی را برای ایجاد یک ائتلاف سیاسی بر علیه رژیم آغاز کرده اند و اخیرا نیز دو سند راهبردی این جمع منتشر شده است. از ابتدای این حرکت نیز از زوایای گوناگون به این حرکت انتقاد شده و میشود و همزمان باورمندان به این حرکت نیز در دفاع از آن دست به تحریر مقالاتی زده اند. ایده ایجاد ظرفی برای جمع کردن همه اپوزیسیون ایران، بدون توجه به تعلقات سیاسی و برنامه ای آنها، جدید نیست و این تلاشها از حدود دهسال پیش و با انتشار «منشور ۸۱» آغاز شده بود. از این زاویه آقای جیلو حرف جدیدی نسبت به آنچه که در این سالها در دفاع از حضور نحله های مختلف سیاسی و بویژه سلطنت طلبان در یک ائتلاف سیاسی گفته شده، ندارد. اما متد نقد ایشان به سازمان اکثریت و پایه استدلالی ایشان است، که جای توجه دارد.

در ابتدا باید بر این نکته اشاره کنم که حکومت جمهوری اسلامی مخالف همه کس و همه چیز است. این حکومت حتی مخالفتهای جناحهای درونی خود را هم برنمیتابد و از این زاویه مخالفین رژیم بسیار متنوع اند. در برخورد به سیاستهای مختلف در اپوزیسیون نباید به روش مجاهدین متوسل شده و هرکس را که با خود مخالف بود را به همان گویی با جمهوری اسلامی متهم کرد. کاری که متاسفانه آقای جیلو در مقدمه نوشته خود به آن دست یازیده.

جوهره نوشته آقای جیلو نقد سیاست سازمان اکثریت در عدم پذیرش همکاری «اتحاد برای دموکراسی در ایران» بطور عام و سلطنت طلبان بطور خاص میباشد. وی میگوید که آنها حتی حاضر به گفتگو و دیالوگ با این جریان نیستند و میپرسد: «چگونه این "سازمان" نمیتواند حول موضوع شناخته شده "انتخابات آزاد" و یا هر شعار عام قابل شناسایی دیگری، برای باز کردن راه وصول به دموکراسی در ایران که ساختاری است با تعریفی روشن، زمینی و تجربه شده یعنی همان هدف مقدم "سازمان"، حتی به یک همفکری و گفتگوی اولیه با عده‌ای از همراهان سوسیالیست و غیر سوسیالیست مدافع انتخابات آزاد در "اتحاد برای دموکراسی" مبادرت کند؟». وی در پاسخ به این سوال به سیاست سازمان اکثریت در نفی همکاری با جریان‌های سلطنت طلب اشاره کرده و میگوید: «یکی از دلایل حساسیت رهبری سازمان نسبت به تشکل "اتحاد برای دموکراسی"، حضور و موجودیت یک گرایش طرفدار نظام مشروطه پادشاهی در درون این "اتحاد" بوده است.» نویسنده سپس برای نقد این سیاست و لزوم همکاری سازمان اکثریت با سلطنت طلبان، پایه استدلال خود را بر سیاست ائتلافی این سازمان با اصلاح طلبان و به قول خودش «مشروطه خواهان دینی» (طرفداران حکومت مردمسالاری دینی) قرار داده و از این جا به تناقض این دو سیاست تکیه کرده و سیاست نفی همکاری با سلطنت طلبان را رد میکند. وی در این مورد میگوید: «آیا اصلاح طلبان مدافع نظام فقهی و به عبارت دیگر مشروطه طلبان دینی، نیز مشمول چنین رویکردی هستند؟ البته که چنین نیست.» و در ادامه ضمن توضیحاتی پیرامون این که سلطنت مشروطه به معنی حکومت استبدادی پادشاهی نیست همانگونه که حکومت جمهوری هم به خودی خود به معنی استقرار دموکراسی نیست، میگوید: «همان ترتیبی که یک رژیم سلطنتی مدعی پاسداری از قانون اساسی انقلاب مشروطیت، تبدیل به یک رژیم دیکتاتوری تمام عیار گردید، یک جمهوری مدعی دموکراسی نیز، در مدت کوتاهی به یک نظام استبدادی بیرحم و خونریز تحول یافت.» و نتیجه میگیرد که «اگر مشروطه طلبی در عمل به معنای برگرداندن سلطنت به قدرت است، به همان نسبت نیز حمایت از مشروطه خواهان دینی دفاع از تداوم نظام مبتنی بر ولایت فقهی است.»

شیوه استدلال آقای جیلو بسیار جالب است. ایشان برای نقد سیاست سازمان اکثریت و اثبات نظر خود که همانا لزوم همکاری با سلطنت طلبان است، از سیاست نادرست سازمان اکثریت در ائتلاف و همکاری با اصلاح طلبان استفاده (یا بهتر است گفته شود سوء استفاده) میکند تا با تکیه بر این تناقض در سیاست، فکر خود را به کرسی نشاند. واقعیت این است که همانقدر که سیاست ائتلاف با اصلاح طلبان نادرست

است، سیاست همکاری با سلطنت طلبان هم نادرست است و نمیتوان از یک سیاست نادرست توجیهی برای یک سیاست دیگر تراشید.

ایشان در ابتدای نوشته خود به اصول پایه ای جنبش فدائی که همانا «باور استوار و بی‌خدشه به یگانگی حرف و عمل، نه تنها یک اصل اخلاقی بلکه از اصول راهنمای سیاست در جنبش فدایی بود» اشاره دارد و آن را مورد تاکید قرار میدهد. اکنون باید پرسید رابطه مبارزه برای استقرار دموکراسی در ایران و همراهی و همکاری با جریان‌اتی که حامل ایده های غیردموکراتیک هستند، چگونه سیاستی است و چه قرابتی با این اصول یگانه دارد؟

سلطنت طلبان حامل ایده حکومت پادشاهی هستند که بر محور شخص پادشاه غیر انتخابی و مورثی استوار است. در طول تاریخ و در جریان مبارزات مردم برای تحقق دموکراسی و محدود کردن قدرت مطلقه پادشاه، شکلی از حکومت بدست آمد که آن را پادشاهی مشروطه نامیدند، که همانا مشروط کردن قدرت پادشاه به نظر مردم بود، و بتدریج قدرت پادشاه به نفع نهادهای مردمی کاهش یافت تا به امروز که در برخی از کشورهای اروپائی، دموکراسی پارلمانی مستقر و پادشاه یا ملکه به یک سمت تشریفاتی تبدیل شده است. پروسه تحول تاریخی در این کشورها چنین پیموده شده است. از این پروسه نمیتوان فضیلتی برای سیستم پادشاهی مشروطه ساخت و آن را به عنوان یک سیستم دموکراتیک ارائه کرد. در جایی که دیگر پادشاهی در کار نیست، تلاش برای برگرداندن پادشاه، ولو در قالب مشروطه سلطنتی، یک گام به عقب است. اگر تاریخ بیانگر مبارزه پیشرو و بی وقفه مردم با قدرتهای فائده برای رسیدن به دموکراسی است، نمیتوان ادعای پیشرو بودن داشت و از یک ایده عقب مانده دفاع کرد و بدتر به دیگران هم خرده گرفت که چرا شما چنین نمیکنید. فکر بازگشت سلطنت به ایران یک فکر عقب مانده است که جایی در پیشرفت جامعه ایران به سوی دموکراسی ندارد. به همین دلیل هم یک نیروی خواهان دموکراسی که مدعی است حرف و عملش یکی است، نمیتواند سیاستی مغایر اصول دموکراسی اتخاذ کند.

اصلاح طلبان و تمامی جریان‌ات دین باور که همچنان از حکومت مذهبی دفاع میکنند، ولو در قالب یک حکومت «مردم سالاری دینی» به همان میزان سلطنت طلبان، یک نیروی غیردموکراتیک هستند. امروزه برای همه روشن شده است که تلفیق دین و حکومت جز فاجعه چیزی به بار نمیآورد. این که مردم ایران باور مذهبی دارند واقعیتی است قابل احترام. ولی پایبندی به داشتن یک حکومت دینی و تاکید بر آن انگونه که اصلاح طلبان تکرار میکنند، به هر دلیل و بهانه ای، خارج

از چارچوب یک فکر دمکراتیک است. در اینجا نیز یگانگی حرف و عمل حکم میکند که نیروی خواهان استقرار دمکراسی در ایران از پذیرش سیاستی که از دل آن همکاری و ائتلاف با باورمندان به حکومت مذهبی بر میخیزد، پرهیز کنند. نمیتوان سخنرانیهای آتشینی در دفاع از دمکراسی و حقوق مردم کرد و همزمان با اصلاح طلبان پیرامون راههای همکاری و ائتلاف مذاکره کرد و مدام هم این را عین سیاست وانمود و خود را سیاست ورزی خردمند و دیگران را نوآموزان عرصه سیاست خواند. باور استوار به حرف و عمل سنخیتی با سیاستهای فرصت طلبانه و نان به نرخ روز خوردن ندارد.

حکومت جمهوری اسلامی ایران، اپوزیسیون متنوعی دارد که هر یک برنامه و اهداف خاص خود را دنبال میکنند. همه مدعی اند که «میزان رای مردم است» و همه فعلا در حرف خواهان استقرار دمکراسی در ایران هستند. معیار هر یک از ما برای شناخت این نیروها و موضعگیری در مقابل آن، فعلا سابقه تاریخی، نگاه ایدئولوژیک آنها به جامعه و سیر تحول جامعه ایران و برنامه آنها برای تحقق آن نگاه است. از این زاویه برای نیروئی که خواهان استقرار یک دمکراسی متکی بر رای مردم است، پادشاه و ولی فقیه و هر نوع دیگر از پست و مقام ویژه و مورثی، فاقد اعتبار دمکراتیک است.

انتخابات آزاد تنها در چارچوب یک شرایط دمکراتیک، واقعی و نه صوری، امکان پذیر است. و تا زمانی که این شرایط فراهم نباشد حرف از انتخابات آزاد، اگر ساده لوحی نباشد، مردم فریبی است. در عین حال انتخابات آزاد «مهر مار» یا شاه کلید درب بسته شده دمکراسی در ایران نیست. انتخابات وسیله ای برای تامین دمکراسی است و نه خود دمکراسی. حول وسیله نمیتوان ائتلاف سیاسی تشکیل داد.

برای استقرار دمکراسی در ایران اپوزیسیون باید بر پراکندگی موجود در صفوف خود غلبه کرده و ائتلافهای سیاسی ممکن را سامان دهد. یقینا این مردم ایران خواهند بود که در آینده با رای خود حکومت آینده را انتخاب خواهند کرد. مخدوش کردن صفوف اپوزیسیون و برپا کردن گردوخاک حول «دمکراسی» و «انتخابات آزاد» و لزوم «همه با هم» مشکلی را از جامعه ما حل نخواهد کرد.

دفاع از یک سیاست غلط دستاویز توجیه یک سیاست غلط دیگر نیست. اگر در سازمان اکثریت کسانی بر این باورند که برای استقرار دمکراسی در ایران باید با سلطنت طلبان همراه شد، همانقدر در اشتباهند که آنانی که باور به همراهی و همگامی با اصلاح طلبان دارند. مبارزه

برای دمکراسی با همراهانی غیر دمکرات، متزلزل و ناپیگیر، که سودای دیگری در سر دارند، به بیراهه رفتن است. سازمان اکثریت در گذشته این را آزموده است و امید است که از آن تجارب درس آموزی کرده باشد.

۱۷ مارس ۲۰۱۲